



مرکز مجاز امام صادق علیه السلام

اصول الفقه (اجتماع امر و نهی)

تعدد عنوان و معنون ۱

جلسه ۲۵۵

استاد نجار زاده

ادامه بحث جلسه قبل:

برخی از اساتید ما قائل بودند که «قدرت» به عنوان شرط در متعلق تکلیف اخذ شده است، زیرا خطاب به شخصی که قادر نباشد، امکان ندارد.

ولی صحت این ادعاء برای ما محرز نیست؛ زیرا صحت تعلق تکلیف به طبیعت فعل موقوف نیست به بیش از قدرت بر صرف وجود طبیعت؛ اگرچه این قدرت بواسطه مقدور بودن فردی از افراد طبیعت باشد؛ لذا این عقل است که به لزوم قدرت در متعلق تکلیف حکم می‌نماید و این حکم عقلی اقتضاء ندارد که بر فرد فرد از افراد طبیعت قدرت حاصل باشد؛ مگر آنکه قائل شویم تکلیف اولاً و بالذات به افراد تعلق می‌گیرد نه طبیعت در حالیکه فساد این توهم قبلاً گذشت.

تعدد عنوان موجب تعدد معنون نمی‌شود:

قائل شدن به جواز اجتماع امر و نهی موقوف نیست به این رأی که تعدد عنوان باعث تعدد معنون است؛ وجه آن این است که: معنون چه به تعدد عنوان متعدّد گردد و چه متعدّد نشود، این معنا اساساً هیچ ارتباطی نفیاً و اثباتاً به مسئله ما ندارد؛ چه آنکه معنون مادامی که متعلق تکلیف نباشد، هیچ فرقی بین آن نیست که تعدد عنوان را موجب تعدد معنون دانسته یا به آن قائل نباشیم و به هر صورت، از نظر ما رأی حقّ این است که: معنون متعدّد بوده یا متعدّد نباشد، اجتماع امر و نهی جایز است.

اگر از باب جدل به فرض، رأی مشهور را بپذیریم که می‌گویند تکلیف از عنوان به معنون سرایت می‌کند؛ مع ذلك می‌گوییم: حقّ این است که به تعدد عنوان معنون متعدّد نمی‌شود و نمی‌توان تعدد عنوان را علت آن قرار داد؛ زیرا گاهی معنون به تعدد عنوان متعدّد شده و زمانی متعدّد نمی‌شود، پس در اینجا قاعده عامی که حکم نماید به اینکه تعدد عنوان موجب تعدد معنون است وجود ندارد.